



An Analysis of the Time and Place of Imam Ali's Ring Bestowal and the Revelation of the Verse of Wilayah in the Narrations of the Two Major Islamic Sects *

Mohammad Javad Dashti¹



Verse 55 of Surah Al-Ma'idah, known as the Verse of Wilayah, was revealed in honor of Imam Ali, specifically referring to his ring bestowal during the act of bowing in prayer (rukoo'). Following this event, according to verse 67 of the same Surah, the Holy Prophet was commanded during the Ghadir Khum incident to convey the meaning and identity of wilayah to the people. Therefore, it is essential to have a precise understanding of the time and place of the revelation of the Verse of Wilayah. The main objective of this research is to analyze the narrations of the two major sects (Shia and Sunni) regarding the time and place of Imam Ali's ring bestowal and the revelation of the Verse of Wilayah. The research methodology involves collecting narrations from library sources and employing a descriptive-analytical approach. The findings of this study indicate that the bestowal of the ring upon Imam Ali and the revelation of the Verse of Wilayah took place in the final year of the Prophet's life during the Farewell Pilgrimage and after Imam Ali's return from Yemen, specifically on the evening of the Day of Arafah. Furthermore, the location of this event was in Mecca and the Sacred Mosque. Accordingly, the phrase "ma anzala" in the verse of Tabligh, which entrusted the Holy Prophet with conveying it during the Ghadir Khum incident, refers to the issue of Imam Ali's succession mentioned in the Verse of Wilayah, which had been revealed a short time earlier on the evening of Arafah in the Sacred Mosque.

Keywords: Ring Bestowal, Verse of Wilayah, Verse 55 of Surah Al-Ma'idah, Time and Place of the Revelation of the Verse of Wilayah, Time and Place of Ring Bestowal, Virtues of Imam Ali, Evidence of Imamate of Imam Ali.

*. **Date of receiving:** 25/01/1401 (April 14, 2022), **Date of approval:** 09/09/1401 (December 1, 2022).

1. Assistant Professor, Department of Exegesis, Al-Mustafa International University, Qom, Iran; (h.d.m.j.dashti@gmail.com).



واکاوی زمان و مکان انگشتربخشی امام علی (ع) و نزول آیه ولایت در روایات فریقین*

محمد جواد دشتی^۱



چکیده

آیه ۵۵ سوره مائده، مشهور به آیه ولایت در شأن امام علی (علیه السلام) و ناظر به انگشتربخشی ایشان در حال رکوع نازل شد. پس از آن نیز، و بنابر آیه ۶۷ همین سوره، پیامبر اکرم (ص) در جریان غدیر خم مأموریت یافت تا چپستی ولایت و کیستی ولی را نیز برای مردم بیان کند. از این رو، شناخت دقیق زمان و مکان نزول آیه ولایت ضروری می‌نماید. مسئله اصلی در این پژوهش، واکاوی روایات فریقین در خصوص زمان و مکان جریان انگشتربخشی امام علی (علیه السلام) و نزول آیه ولایت با روش گردآوری کتابخانه‌ای روایات فریقین و پردازش آنها با شیوه توصیفی - تحلیلی، در دو بخش: روایات شیعه و اهل سنت است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که زمان خاتم‌بخشی امیرمؤمنان (علیه السلام) و نزول آیه ولایت، سال پایانی عمر پیامبر اکرم (ص) و در جریان حجة الوداع و پس از بازگشت امام علی (علیه السلام) از یمن و در شامگاه روز عرفه بود. همچنین مکان خاتم‌بخشی آن حضرت، مکه و مسجدالحرام بود. بر این اساس، مقصود از «ما انزل» در آیه تبلیغ که پیامبر اکرم (ص) را به ابلاغ آن در غدیر خم مأمور ساخت، همان مسئله جانشینی امام علی (علیه السلام) در آیه ولایت است که اندکی پیش‌تر، در شامگاه عرفه و در مسجدالحرام نازل شده بود.

واژگان کلیدی: انگشتربخشی، آیه ولایت، آیه ۵۵ سوره مائده، زمان و مکان نزول آیه ولایت، زمان

و مکان خاتم‌بخشی، فضائل امام علی (علیه السلام)، ادله امامت امام علی (علیه السلام).

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۹/۰۹.

۱. استادیار گروه تفسیر، جامعة المصطفی ص العالمیه، قم، ایران؛ (h.d.m.j.dashti@gmail.com).



مقدمه

آیه پنجاه و پنجم از سوره مائده به "آیه ولایت" شهرت یافته است (شرف‌الدین موسوی، ۱۴۰۲: ۲۲۷-۲۲۹) که درباره ولایت خدا، پیامبر ﷺ و مؤمنانی است که نماز را به پا داشته و در رکوع زکات می‌دهند: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ همه مفسران شیعه متنفق هستند که آیه ولایت در شأن امام علی (علیه السلام) و در واقعه خاتم‌بخشی ایشان نازل شده است (مفید، ۱۴۱۳: ۱۴۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۹۶: ۲۹/۲) ابن شهر آشوب از این اتفاق به اجتماع امت تعبیر کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳/۱؛ ۲/۳).

مفسران و مورخان بسیاری از اهل سنت نیز در اینکه این آیه در مورد خاتم‌بخشی علی (علیه السلام) نازل شده، اتفاق نظر دارند: سدی، مجاهد، حسن بصری، اعمش، عتبه بن ابی حکیم، ثعلبی، زمخشری، طبری، قرطبی، فاضل نیشابوری، واحدی، جصاص، ابوبکر شیرازی، نسایی، عبدالسلام قزوینی، بیضاوی، شوکانی صنعانی، ابن ابی الحدید، سیوطی، آلوسی، ابوسعید سمعانی و... این واقع را نقل کرده‌اند (امینی، ۱۳۹۷: ۱۵۶/۳-۱۶۳؛ شیرازی، ۱۳۵۲: ۴۴۷-۴۴۸). گستردگی این نقل به گونه‌ای است که برخی از علمای فریقین مانند قاضی ایجی در کتاب مواقف (ایجی، ۱۴۱۷: ۶۰۱/۳)، جرجانی در شرح مواقف (جرجانی، ۱۳۲۵: ۳۶۰/۸)، سعد تفتازانی در شرح مقاصد (تفتازانی، ۱۴۰۱: ۲۸۸/۲)، قوشچی در شرح تجرید (قوشچی، بی تا، ۳۶۸-۳۶۹)، علامه حلی در شرح تجرید (علامه حلی، ۱۴۱۷: ۴۹۸-۴۹۹) و... تصریح کرده‌اند که مفسران بر نزول این آیه در شأن حضرت علی (علیه السلام) اجماع دارند.

این واقعه با اندکی تفاوت میان نقل‌ها این گونه روایت شده است که در یکی از روزها فقیری وارد مسجد شده و تقاضای کمک می‌کند؛ ولی کسی چیزی به او انفاق نمی‌کند. او دست خود را به آسمان بلند کرده و در شکایت از مردم، خدا را شاهد می‌گیرد که دست به رویشان بلند کرده و کسی به او یاری نرسانده است. در همین حال، علی (علیه السلام) در حالت رکوع، به انگشت کوچک دست راست خود اشاره می‌کند. فقیر نیز نزدیک شده و انگشتر را از دست آن حضرت بیرون می‌آورد.

پیامبر اکرم ﷺ پس از مشاهده این بخشش، سر به سوی آسمان برداشتند و فرمودند: خدایا! برادرم موسی (علیه السلام) از تو خواست که سینه مرا را گشاده و کارها را بر او آسان کنی و گره از زبانش بگشایی تا مردم گفتارش را درک کنند و نیز تقاضا کرد هارون (علیه السلام) را که برادرش بود، وزیر و یاورش قرار دهی و به وسیله او بر نیرویش بیفزایی و در کارهایش شریک سازی. خداوند! من محمد، پیامبر و برگزیده توام. سینه مرا گشاده کن و کارها را بر من آسان ساز و از خاندانم، علی (علیه السلام) را وزیر من گردان تا به وسیله اش پُشتم قوی و محکم شود. هنوز دعای پیامبر ﷺ پایان نیافته بود که جبرئیل آیه ولایت (ملئده: ۵۵) را نازل کرد (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۸۰/۴؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۰۹/۱-۲۳۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۲۴-۳۲۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۸۳/۱۲).

گفتنی است این داستان به گونه‌های متفاوت از روایان مختلف نقل شده است؛ اما همه آنها در نزول آیه ولایت پس از انگشتر بخشی امام علی علیه السلام در حالت رکوع متفق هستند؛ مثلاً ثعلبی در یکی از این روایات، به ماجرای نقل شده از ابوذر غفاری اشاره می‌کند و در روایتی دیگر، واقعه‌ای را از درخواست عبدالله بن سلام از پیامبر صلی الله علیه و آله در نمایاندن جانشین و وصی خود نقل می‌کند که در هنگام نزول این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید: «ای رسول خدا، من دیدم که علی در حال رکوع نماز، انگشترش را به نیازمندی داد، پس ما او را ولی خود می‌دانیم» (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۸۰/۴).

پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام با استناد به دلالت «انما» بر حصر حقیقی و مطلق، همچنین حصر معنای ماده «ول ی» در این آیه بر معنای رهبری و سرپرستی، آیه ولایت را دلیل قرآنی قطعی (مفید، ۱۴۱۴: ۱۳۴؛ سید مرتضی، ۱۴۱۰: ۲۱۷/۲ - ۲۴۸ و دیگران) و نص (طوسی، ۱۳۸۲: ۱۰/۲ و دیگران) بر امامت، امام علی علیه السلام می‌شمردند (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲۵/۶ - ۵؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۳۶-۱۲۳/۲۳).

از آنجا که سوره مائده، سوره ولایت است، یافته‌های این تحقیق درباره زمان و مکان انگشتر بخشی و نزول آیه ولایت، نقش به‌سزایی در تصویر واقعی و فهم درست حوادث آن ایام و چستی «ما انزل الیک» در آیه تبلیغ (مائده: ۶۷) و اثبات ولایت امام علی علیه السلام دارد.

نوشته حاضر با اثبات و ارائه برداشتی ویژه از آیه ۵۵ سوره مائده سبب می‌شود تا تفسیری روشن و غیر قابل انکار از آیه ۶۷ این سوره به دست آید. آیه تبلیغ بیان می‌دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش از غدیر خم مأمور به ابلاغ امری می‌شود که از آنچنان عظمتی برخوردار بود که عدم ابلاغ آن با عدم ابلاغ رسالت ایشان برابری می‌کرد. مفسران در چستی «ما أنزل إلیک من ربک» (مائده: ۶۷) با اینکه نتوانسته‌اند ارتباط این آیه با امام علی علیه السلام و قصه غدیر را انکار کنند و مجبور به ذکر آن شدند؛ اما برای کم رنگ کردن آن، احتمالات مختلف دیگری نیز بیان کرده‌اند: از جمله اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله آیه‌ای از قرآن را کتمان کرده باشد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۹۸/۶) یا اینکه مراد همه آن چیزی باشد که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۳۵۵). فخر رازی نیز در بیان چستی «ما أنزل إلیک من ربک» با برشمردن ده شأن نزول که آخرینش قصه غدیر است، این آیه را در مقام تسلی بخشی و قوت قلب دهی به پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر ترس از یهود و نصاری دانسته است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۰۰/۱۲ - ۴۰۱). برخی نیز قائل شدند که این آیه در اوائل بعثت نازل شد و امر به تبلیغ عام است؛ اما بعداً در این سوره قرار گرفته است (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۴۶۳/۶).



علت این آشفتگی در بیان چیستی ﴿مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ (مائده: ۶۷) تلاش برای پوشاندن مأموریت یافتن آن حضرت، در ابلاغ ولایت امام علی (علیه السلام) و واقعیت آن چیزی است که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است. این تحقیق، با کاوشی دقیق در تراث فریقین به واکاوی زمان و مکان انگشتربخشی امام علی (علیه السلام) و نزول آیه ولایت در روایات هر دو دسته می پردازد و اثبات می کند آن مأموریتی که چند روز پیش از غدیر خم، در مکه و پس از خاتم بخشی امام علی (علیه السلام) به آن حضرت ابلاغ و موجب نگرانی آن حضرت شده بوده، اعلام عمومی ولایت امام علی (علیه السلام) بوده است تا اینکه خدا نازل فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (مائده: ۶۷) و ایشان در غدیر خم این امر الهی را جامه عمل پوشاند.

همه مفسران فریقین ذیل آیه ۵۵ سوره مائده در بیان شأن نزول این آیه، به انگشتربخشی امام علی (علیه السلام) اشاره کرده اند؛ چنانکه کتب تاریخی، شأن نزول و تفسیر موضوعی نیز به این واقعه پرداخته اند. البته کتاب‌هایی مانند آیات ولایت در قرآن به قلم ناصر مکارم شیرازی، تفسیر تطبیقی آیات ولایت به قلم فتح الله نجارزادگان و... نیز در بخشی از کتاب خود مستقلاً درباره این آیه بحث کرده اند. همچنین مقالات مستقلاً هم با موضوع آیه ولایت، هم سبب نزول آیه ولایت و انگشتربخشی امام علی (علیه السلام) نگاشته شده است از جمله این مقالات عبارت‌اند از؛ سبب نزول آیه ولایت به قلم حسن حکیم باشی، آیه ولایت دلیلی روشن بر امامت علی (علیه السلام) به قلم علی ربانی گلپایگانی، بررسی سبب نزول آیه ولایت در منابع تفسیری اهل سنت به قلم حسین احمدی حسین آبادی و... .

این تحقیق، با نگاهی ویژه و واکاوانه فقط در پی یافتن زمان و مکان انگشتر بخششی و نزول آیه ولایت است که تا کنون چنین تحقیقی با چنین زاویه دیدی انجام نشده است. نتایج این تحقیق تصویری روشن از چگونگی اعلام ولایت و چیستی «ما انزل الیک» در آیه ۶۷ این سوره را به دست می دهد.

الف. راویان شأن نزول آیه ولایت در فریقین

احادیث مربوط به آیه ولایت در شأن امام علی (علیه السلام) و واقعه خاتم بخشی، از طریق‌های گوناگون در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده و در حد تواتر و مفید یقین است، این احادیث مورد استناد محدثان، مفسران، متکلمان و فقیهان قرار گرفته است؛ تا آن‌جا که فقها در مسئله فعل کثیر در نماز و اینکه آیا صدقه مستحبی زکات نامیده می شود یا نه، به آن استناد کرده اند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۱/۶؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲۵/۶).

از جمله اصحابی که این حادثه را نقل کرده‌اند، امام علی علیه السلام (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۲۶/۱؛ شرف‌الدین موسوی، ۱۴۰۲: ۲۳۰)، عبد الله بن عباس (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۳۲/۱)، ابورافع مدنی (طبرانی، بی‌تا، ۳۲۰-۳۲۱)، عمار یاسر (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۳/۲)، ابوذر غفاری (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۳۰/۱)، انس بن مالک (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۲۵/۱) و مقداد بن اسود (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۲۸/۱) هستند که این شأن نزول را نقل کرده‌اند.

از تابعان نیز مسلمة بن کهیل (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۳/۲)، عتبة بن ابی حکیم (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۱۱۶۲/۴؛ طبری، ۱۴۱۲: ۴۲۵/۱۰)، سُدی (طبری، ۱۴۱۲: ۴۲۵/۱۰) و مجاهد (جصاص، ۱۴۰۵: ۱۰۲/۴؛ طبری، ۱۴۱۲: ۴۲۶/۱۰) به نقل این حادثه پرداخته‌اند.

آمدی در کتاب غایة المرام ۲۴ حدیث در این باره از اهل تسنن و ۱۹ حدیث از شیعه درباره نزول آیه ولایت در مورد علی علیه السلام روایت کرده است (آمدی، ۱۳۹۱: ۱۲/۲). علامه امینی نیز تعداد زیادی از دانشمندان عامه را نام می‌برد که روایت شأن نزول آیه ولایت را در مورد امیرمؤمنان علیه السلام در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند و فهرست کاملی از کتاب‌ها و مناقلان این حدیث را در الغدیر آورده است (امینی، ۱۳۹۷: ۱۵۶/۳-۱۶۳؛ ۵۲/۲). آلوسی نیز گفته است: بیشتر محدثان برآنند که این آیه در شأن امام علی علیه السلام نازل شده است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۳۴/۳). همچنین سیوطی این حدیث را از رویان بزرگی مثل عتبة بن حکیم، مجاهد، خطیب خوارزمی، طبرانی، ابن مردویه به نقل از ابن عباس، عمار یاسر، سلمة بن کهیل، علی بن ابوطالب و ابورافع در مورد نزول آیه ولایت در شأن علی علیه السلام روایت کرده است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۳/۲-۲۹۴).

شهرت این خبر به حدی بوده که حسان بن ثابت، شاعر رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز این منقبت علی علیه السلام را به نظم آورده است:

و کل بطیء فی الهدی و مسارع	أبا حسن تغدیک نفسی و مهجتی
و ما المدح فی جنب الإله بضائع	أیذهب مدحیک المحبر ضائعا
زکاة فدتک النفس یا خیر راکع	فأنت الذی أعطیت إذ كنت راکعا
و أثبتها أثنا کتاب الشرائع	فأنزل فیک الله خیر ولایة

(طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۲۵/۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۳۴/۳)

گفتنی است در کتب تفسیری اهل سنت، احتمالات تفسیری و شأن نزول‌های دیگری هم درباره آیه ۵۵ سوره مائده نقل شده که عبارت است از اینکه این آیه درباره ابوبکر (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۸۱/۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۸۳/۱۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۲۱/۶) یا همه مسلمانان گذشته و آینده (بغوی، ۱۴۲۰:



۶۴/۲) یا همه مومنین (جصاص، ۱۴۰۵: ۱۰۲/۴) نازل شده باشد که این احتمالات، از سویی جز اجتهادات مفسران هیچ مستند روایی و تاریخی ندارند و از سویی دیگر، قرآن پژوهان این احتمالات را تضعیف کرده و به آنها پاسخ داده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲۵/۶-۵؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۲۳/۲۳-۱۳۶)، افزون بر آنکه این احتمالات نمی‌توانند با تواتر نقل شده و با گستردگی روایات مورد اجماع فریقین درباره نزول این آیه در شأن امام علی (علیه السلام) هم‌وردی داشته باشند. البته روایتی که درباره شأن نزول این آیه وجود دارد، در ادامه این نوشته در بررسی روایات به آن پرداخته می‌شود. با توجه به مطالب یاد شده، تردید و تضعیف این واقعه درباره نزول آیه در شأن علی (علیه السلام) از سوی برخی افراد همچون فخر رازی (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۸۲/۱۲) و ابوهاشم جبایی (همدانی، ۱۳۸۲: ۱۳۷/۱) و ابن تیمیه (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۶: ۷-۹/۷) و ابن کثیر (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۲۵/۳-۱۲۷) بی‌اساس است.

ب. زمان و مکان نزول آیه ولایت

یکی از مسائل بسیار مهم و کلیدی که درباره آیه ولایت و خاتم‌بخشی امام علی (علیه السلام) وجود دارد زمان و مکان نزول آیه ولایت است که پیش از این، مورد توجه ویژه قرآن پژوهان قرار نگرفته است و در هیچ یک از نگاشته‌ها، در استدلال به این آیه، به این مهم پرداخته نشده است.

شیخ مفید در مسارالشیعه و ابن طاووس در اقبال، واقعه خاتم‌بخشی و نزول آیه ولایت را در روز ۲۴ ذی‌الحجه نقل کرده‌اند (مفید، ۱۴۰۶: ۲۳؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۳۱۰/۲)؛ اما تحقیق آن است که این آیه در مکه و در ایام حجة‌الوداع پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) نازل شده است.

از کنار هم قراردادن روایات فریقین در این باب، در مجموع می‌توان فهمید که این آیه در چه زمانی نازل شده است. روشن شدن این مساله می‌تواند گواه فرامتنی بسیار خوبی بر اثبات دلالت آیه ۵۵ و ۶۷ سوره مائده درباره ولایت امام علی (علیه السلام) باشد.

کلینی روایتی از امام باقر (علیه السلام) درباره زمان نزول آیه اکمال نقل می‌کند: «أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَسُولَهُ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ- إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ قَرَضُوا وَ لَايَةَ أُولَى الْأَمْرِ فَلَمْ يَذُرُوا مَا هِيَ فَأَمَرَ اللَّهُ مُحَمَّدًا ص أَنْ يَفْسَرَ لَهُمُ الْوَلَايَةَ كَمَا فَسَّرَ لَهُمُ الصَّلَاةَ وَ الزَّكَاةَ وَ الصَّوْمَ وَ الْحَجَّ فَلَمَّا آتَاهُ ذَلِكَ مِنَ اللَّهِ ضَاقَ بِذَلِكَ صَدْرُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ تَخَوَّفَ أَنْ يُوْتَدُوا عَنْ دِينِهِمْ وَ أَنْ يَكْذِبُوهُ فَضَاقَ صَدْرُهُ وَ رَاجَعَ رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ- يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ فَصَدَعَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ فَقَامَ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ (علیه السلام) يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ...» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۸۹/۱).

از این روایت دو نکته معلوم می‌شود: ۱. نزول آیه «انما ولیکم الله» پیش از واقعه غدیر خم و پیش از نزول آیه ابلاغ بوده است و «بلغ» امر به اعلام دستوری مشخص است که پیش از این ابلاغ شده بود. همین مضمون - تقدم نزول آیه ولایت بر واقعه غدیر - از روایتی که حمیری در قرب الاسناد نقل می‌کند برداشت می‌شود: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي الْوَلَايَةِ، أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالذُّوْحَاتِ فِي غَدِيرِ حُمٍّ فَقَمِمَنَ، ثُمَّ نُودِيَ: الصَّلَاةَ جَامِعَةً، ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ...» (حمیری قمی، بی تا، ۵۷)؛ ۲. مأموریت یافتن پیامبر ﷺ پیش از روز غدیر خم به دستوری که موجب تنگی سینه آن حضرت شد. این مضمون را عیاشی نیز روایت می‌کند: عَنْ أَحَدِهِمَا (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، قَالَ: «إِنَّهُ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ آيَةَ الْوَلَايَةِ: إِنَّمَا وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا شَقَّ ذَلِكَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَخَشِيَ أَنْ يُكَذِّبَهُ قُرَيْشٌ فَأَنْزَلَ اللَّهُ: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) الْآيَةَ، فَقَامَ بِذَلِكَ يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۲۸/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۳۲۲/۲).

با توجه به اینکه پیامبر ﷺ نمی‌تواند امر الهی را زمان زیادی به تأخیر بیاندازد، و این حالت تنگی سینه نیز نمی‌تواند مدت زمان زیادی طول کشیده باشد، می‌توان استفاده کرد که ابلاغ چنین مأموریتی با واقعه غدیر در پایان حجة الوداع، بسیار نزدیک است؛ اما اینکه زمان دقیق نزول آن، پیش از غدیر به طور مشخص چه زمانی است را نمی‌توان از این روایات دریافت، البته روایت پسین پرده از این ابهام برمی‌دارد: عیاشی در روایتی از زید بن ارقم چگونگی واقعه غدیر را این گونه بیان می‌کند که: «أَنَّ جَبْرِئِيلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بَوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَدَعَا قَوْمًا أَنَا فِيهِمْ فَاسْتَشَارَهُمْ فِي ذَلِكَ - لِيَقُومَ بِهِ فِي المَوْسِمِ فَلَمْ يَدْرُوا مَا نَقُولُ [له]، وَبَكَى ﷺ فَقَالَ لَهُ جَبْرِئِيلُ مَا لَكَ يَا مُحَمَّدُ أَجَزَعْتَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ فَقَالَ: كَلَا يَا جَبْرِئِيلُ وَ لَكِنْ قَدْ عَلِمَ رَبِّي مَا لَقِيتُ مِنْ قُرَيْشٍ إِذْ لَمْ يَقْرَأُوا لِي بِالرِّسَالَةِ حَتَّى أَمَرَنِي بِجِهَادِي - وَ أَهْبَطَ إِلَى جُنُودِهَا مِنَ السَّمَاءِ فَنَصَرُونِي - فَكَيْفَ يَقْرَأُوا لِي لَعَلِّي مِنْ بَعْدِي. فَانصَرَفَ عَنْهُ جَبْرِئِيلُ ثُمَّ نَزَلَ عَلَيْهِ: «فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضُ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَ ضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ» فَلَمَّا نَزَلْنَا الْجَحْفَةَ رَاجِعِينَ وَ ضَرْبْنَا أَحْبَبْتِنَا نَزَلَ جَبْرِئِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بِهَذِهِ الْآيَةِ: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ - وَ اللَّهُ يُعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» فَبَيْنَا نَحْنُ كَذَلِكَ إِذْ سَمِعْنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ هُوَ ينادي: أَيُّهَا النَّاسُ أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ... أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ نَزَلَ عَلَيَّ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ أَمْرَ ضَقَّتْ بِهِ ذُرْعَا مَخَافَةَ تَكْذِيبِ أَهْلِ الْإِفْكِ - حَتَّى جَاءَنِي فِي هَذَا المَوْضِعِ وَعِيدٌ مِنْ رَبِّي - إِنْ لَمْ أَفْعَلْ، إِلَّا وَ إِنِّي غَيْرُ هَائِبٍ لِقَوْمٍ وَ لَا مُحَابٍ لِقُرَابَتِي. أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟» قَالُوا: اللَّهُ وَ رَسُولُهُ، قَالَ: «اللَّهُمَّ اشْهَدْ، وَ أَنْتَ - يَا جَبْرِئِيلُ - فَاشْهَدْ» حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا. ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَرَفَعَهُ إِلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ... الحديث» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۹۸/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۸۱۸/۲).



روایت کافی، اعلام ولایت امام علی (علیه السلام) را امری بیان داشت که سبب تنگی سینه پیامبر ﷺ شده بود و روایت حمیری و عیاشی هم مؤید آن است. روایت عیاشی بیان می‌دارد که اولاً علت تنگی سینه ایشان، تکذیب اهل افک و منافقان داخلی و قریش بود و ثانیاً زمان نزول دستور الاهی درباره ولایت که موجب فشردگی سینه مبارکش شده بود، پیش از روز غدیر و مشخصاً در عشیة عرفه بوده است. از کنار هم گذاشتن این روایات روشن می‌شود که نزول آیه ولایت، مانند آیه اکمال در عشیة عرفه است.

روایتی نیز بخاری از خلیفه دوم نقل کرده است که اگرچه به طور صریح نمایانگر زمان و مکان نزول آیه ولایت نیست؛ لکن بر اساس گفته قرآن پژوهان که سوره مائده را نازل شده در ایام حجة الوداع حضرت رسول ﷺ می‌دانند (عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۶۰/۱؛ واحدی، ۱۳۸۳: ۱۹۲ و ۲۰۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۳/۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۱۷/۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۷۱/۶؛ رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۹۵/۶؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲۰۲/۵)، می‌تواند گواه خوبی برای تعیین محدوده زمانی نزول آیه ولایت باشد.

«عن عمر بن الخطاب أن رجلاً من اليهود قال له يا أمير المؤمنين آية في كتابكم تقرأونها لو علينا معشر اليهود نزلت لاتخذنا ذلك اليوم عيداً قال أي آية قال اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام دينا قال عمر قد عرفنا ذلك اليوم والمكان الذي نزلت فيه على النبي ﷺ وهو قائم بعرفة يوم الجمعة» (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۶/۱).

این روایت، بیانگر آن است که آیه اکمال در روز عرفه نازل شده است. بر این پایه این حدیث از دو جهت می‌تواند شاهد مدعای این مقاله باشد؛ یکی از آن جهت که اکمال دین و اتمام نعمت با ولایت امام علی (علیه السلام) پیوند دارد و خدای حکیم پیش از این روز می‌بایست رسولش را از سبب اکمال دین آگاه می‌ساخته تا اینکه در عرفه به طور رسمی اعلام اتمام نعمت کرده باشد، پس آیه ولایت نیز در همین رکوع و مرتبه از نزول می‌بایست همراه با آیه اکمال نازل شده باشد. دیگر آنکه بر اساس ترتیب نزول، چنانچه آیه سوم مائده در روز عرفه نازل شده باشد و آیه تبلیغ که آیه شصت و هفتم است، اگر در مجموعه این رکوع از نزول در روز عرفه نباشد، نهایتاً بر پایه روایات و تصریح مفسران شیعه (عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۳۳/۱؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۲۵۵/۲) و اهل سنت (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۱۱۷۲/۴؛ واحدی، ۱۳۸۳: ۲۰۲؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۵۲/۱؛ ۳۹۱/۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۸/۲) کمی پیشتر از هجده ذی حجه نازل شده است، پس بنا بر نزول سوره مائده به صورت تدریجی (نه یکباره)، محدوده زمانی نزول آیه ولایت، باید میان روز عرفه تا غدیر بوده باشد.

با توجه به این روایات، می‌بایست زمان نزول آیه ولایت در حوالی عرفه یا موقعیت زمانی بین عرفه تا روز هجده ذی حجه سال حجة الوداع بوده و نمی‌بایست بیرون از این فضای نزول باشد. بر این پایه،

سخن شیخ مفید و ابن طاووس که واقعه خاتم‌بخشی و نزول آیه ولایت را در روز ۲۴ ذی‌الحجّة نقل کرده‌اند (مفید، ۱۴۰۶: ۲۳؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۳۱۰/۲)، درست نیست؛ زیرا افزون بر تعارض این سخن با روایات پیش گفته - که بیانگر آن است که آیه ولایت پیش از آیه تبلیغ نازل شد و پس از نزول آیه تبلیغ و دستور الهی، در روز هجدهم ذی‌حجّة در غدیر خم، ولایت امام علی علیه السلام رسماً ابلاغ شد - ناسازگاری‌های دیگری نیز وجود دارد؛ چراکه این واقعه اگر در فاصله میان عرفه تا غدیر سال دهم نباشد، نمی‌تواند نه پیش از آن باشد و نه پس از آن؛ پس از غدیر سال دهم نمی‌تواند باشد؛ چون در ۲۴ این ماه پیامبر صلی الله علیه و آله در راه برگشت به مدینه بود و پس از آن از دنیا رحلت فرمود. پیش از سال حج الوداع هم نمی‌تواند باشد؛ برای اینکه سوره مائده به اتفاق همه قرآن پژوهان، در حجّة الوداع نازل شد. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۰/۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۵۲/۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۵۷/۵)

همچنین بر پایه نتیجه به‌دست‌آمده بر اساس روایات پیش گفته، دیدگاه کسانی که واقعه خاتم‌بخشی و نزول آیه ولایت را در مدینه و در مسجد النبی صلی الله علیه و آله دانسته‌اند نیز صحیح نیست. نادرستی این دیدگاه با جستار گسترده‌ای که در کتب روایی و تفسیری خاصه و عامه درباره آیه ولایت صورت پذیرفت، به وضوح نمایان است. روایات فریقین در این باره در چند گروه قابل دسته‌بندی است:

۱. روایات شیعه

در بیان واقعه خاتم‌بخشی و نزول آیه ولایت، کتب شیعی روایاتی را از اهل بیت علیهم السلام و روایاتی را از صحابه و به نقل از کتب اهل سنت آورده‌اند که در این بخش تنها به روایات منقول از ائمه علیهم السلام پرداخته می‌شود که چند دسته هستند:

۱-۱. بیان فضیلت خاتم‌بخشی امام علی علیه السلام بدون ذکر مکان و زمان نزول واقعه

این دسته از روایات درباره شأن نزول و اصل فضیلت بودن خاتم‌بخشی امام علی علیه السلام است؛ اما به زمان و مکان آن اشاره‌ای نشده است (تفسیر منسوب به امام عسکری، ۱۴۰۹: ۴۶۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۲۷/۱؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۲۸۹/۱؛ ۴۲۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۳).

برای نمونه: در جلسه شورای شش نفره‌ای که خلیفه دوم تشکیل داد یکی از اعتراف‌هایی که امام علی علیه السلام از جمع گرفت آن بود که: «قَالَ: فَهَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ أَتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ وَ نَزَلَتْ فِيهِ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» غَيْرِي قَالُوا: لَا» (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۴۹؛ دیلمی، ۱۴۱۲: ۲۶۰/۲).



۲-۱. فضیلت خاتم‌بخشی امام‌علی (علیه السلام) با ذکر "المسجد"

این دسته از روایات در بیان واقعه خاتم‌بخشی امام‌علی (علیه السلام) از وقوع این اتفاق در مسجدی سخن به میان آورده‌اند؛ اما مراد از آن مسجد را روشن نکرده‌اند که هم می‌تواند مسجد الحرام باشد هم مسجد النبی (ص). برای نمونه عیاشی، علی بن ابراهیم و صدوق از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کنند که عبدالله بن سلام و عده‌ای از یهودیان تازه مسلمان نزد پیامبر (ص) بودند و از ایشان خواستند که مانند موسی (علیه السلام) وصی خود را برای آنان بنمایاند که آیه ولایت نازل شد و پس از آن پیامبر (ص) به آنها گفتند: «قَوْمُوا فَمَا تَوَا الْمَسْجِدَ فَإِذَا سَائِلٌ خَارِجٌ فَقَالَ يَا سَائِلُ أَمَا أُعْطَاكَ أَحَدٌ شَيْئاً قَالَ نَعَمْ هَذَا الْحَاتِمُ قَالَ مَنْ أُعْطَاكَ قَالَ أُعْطَانِيهِ ذَلِكَ الرَّجُلُ الَّذِي يَصَلِّي قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَبَعْدِي قَالُوا رَضِينَا بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِيناً وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَوَلِيًّا» (قمی، ۱۳۶۷: ۱۷۰/۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۲۸/۱؛ صدوق، ۱۴۰۴: ۱۲۴). همچنان که معلوم است از مکان این واقعه سخنی جز "المسجد" به میان نیامده است که مشخص نمی‌کند که مراد کدام مسجد است.

صدوق نیز در روایتی دیگر از امام‌علی (علیه السلام)، مکان این واقعه را در مسجدی بدون تعیین آن بیان می‌کند: «عَنْ عَلِيٍّ... فَإِنِّي كُنْتُ أُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ فَجَاءَ سَائِلٌ فَسَأَلَ وَأَنَا رَاكِعٌ فَنَازَلَتْهُ خَاتِمِي مِنْ إِبْصَعِي فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)» (صدوق، ۱۴۰۳: ۵۸۰/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴۵/۳۱).

۳-۱. نزول این آیه در مکه و وقوع خاتم‌بخشی در مسجد الحرام

این قسم از روایت، مکان خاتم‌بخشی امام‌علی (علیه السلام) را در شهر مکه و در مسجد الحرام بیان می‌دارد. ابن طاووس به نقل از حدیثی نقل می‌کند: «قَدْ كَانَ النَّبِيُّ (ص) بَعَثَ عَلِيًّا (علیه السلام) إِلَى الْيَمَنِ فَوَافَى مَكَّةَ وَنَحْنُ مَعَ الرَّسُولِ ثُمَّ تَوَجَّهَ عَلِيُّ (علیه السلام) يَوْمَ مَا نَحْوِ الْكُعْبَةِ يَصَلِّي فَلَمَّا رَكَعَ أَتَاهُ سَائِلٌ فَتَصَدَّقَ عَلَيْهِ بِحَلْقَةِ خَاتِمِهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) فَكَبَّرَ رَسُولُ اللَّهِ وَقَرَأَهُ عَلَيْنَا ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ قَوْمُوا تَطَلُّبُ هَذِهِ الصِّفَةِ الَّتِي وَصَفَ اللَّهُ بِهَا فَلَمَّا دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ الْمَسْجِدَ اسْتَقْبَلَهُ سَائِلٌ فَقَالَ مِنْ أَيْنَ جِئْتَ فَقَالَ مِنْ عِنْدِ هَذَا الْمُصَلِّي تَصَدَّقَ عَلَيَّ بِهَذِهِ الْحَلْقَةِ وَهُوَ رَاكِعٌ فَكَبَّرَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَمَضَى نَحْوَ عَلِيٍّ فَقَالَ يَا عَلِيُّ مَا أَحَدَّثْتُ الْيَوْمَ مِنْ خَيْرٍ فَأَخْبَرَهُ بِمَا كَانَ مِنْهُ إِلَى السَّائِلِ فَكَبَّرَ ثَالِثَةً» (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۴۵۴/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۸/۳۷). این روایت صراحتاً مکان دقیق انگشتربخشی را مسجد الحرام بیان می‌دارد.

روایاتی دیگر نیز می‌توان یافت که گواه بر نزول آیه ولایت در مکه باشد. برای نمونه عیاشی روایت می‌کند: «عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام، قَالَ: «إِنَّهُ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا) شَقَّ ذَلِكَ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَخَشِيَ أَنْ يُكَذِّبَهُ قُرَيْشٌ فَأَنْزَلَ اللَّهُ: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْآيَةَ، فَاقَامَ بِذَلِكَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ)» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۲۸/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۳۲۲/۲). این روایت از دو جهت تلویحا اشاره دارد که فضای نزول آیه ولایت که پس از انگشتر بخشی امام علی علیه السلام نازل شده بود، سرزمین مکه است: ا. از آنجا که به یقین می‌دانیم واقعه غدیر خم در زمان برگشت پیامبر صلى الله عليه وآله از مکه و از حجة الوداع رخ داده است. بر پایه، این روایت که بیان می‌دارد آیه ولایت پیش از غدیر خم نازل شده، پس آیه ولایت هم باید در مکه نازل شده باشد. ب. در این روایت سبب تنگی سینه آن حضرت ترس و هراس ایشان از مخالفت قریش بیان شده است که این مطلب نیز گواهی دیگر بر مکی بودن فضای نزول این آیات است؛ زیرا پیامبر صلى الله عليه وآله در مدینه هیچ هراسی از مخالفت قریش نداشت و این ترس در محیط و فضای مکه وجود داشت.

۴. روایات مشعر به نزول آیه ولایت در مدینه یا مسجدالنبی صلى الله عليه وآله

در این قسم، روایات زیادی وجود ندارد؛ ظاهر این احادیث در نگاه نخست اشعار بر نزول آیه ولایت و خاتم بخشی امام علی علیه السلام در مدینه دارد؛ اما دقت در آن با چنین ظهوری ناسازگار است. ا. «حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عليه السلام، فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يَنْكِرُونَهَا﴾ (نحل: ۸۳) قَالَ: «لَمَّا نَزَلَتْ ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾ اجْتَمَعَ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: مَا تَقُولُونَ فِي هَذِهِ الْآيَةِ؟ فَقَالَ بَعْضُهُمْ: إِنَّ كَفَرْنَا بِهَذِهِ الْآيَةِ نَكْفُرُ بِسَائِرِهَا، وَإِنْ آمَنَّا فَهَذَا ذُلٌّ، حِينَ يَسْلُطُ عَلَيْنَا ابْنُ أَبِي طَالِبٍ.

فَقَالُوا: قَدْ عَلِمْنَا أَنَّ مُحَمَّدًا صَادِقٌ فِيمَا يَقُولُ، وَ لَكِنْ تَتَوَلَّاهُ، وَ لَنْ نَطِيعَ عَلِيًّا فِيمَا أَمَرَنَا - قَالَ - فَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: (يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يَنْكِرُونَهَا) يَعْنِي يَعْرِفُونَ وَ لَايَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، وَ أَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ بِالْوَلَايَةِ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۲۷/۱).

این روایت بیان می‌دارد که جمعی از صحابه پس از نزول آیه ولایت در مسجدالنبی صلى الله عليه وآله دور هم جمع شدند و به چنین فضیلتی و ولایتی درباره امام علی علیه السلام معترض بودند که آیه سوره نحل در سرزنششان نازل شد.



فارغ از بررسی سندی روایت، درباره این روایت چند نکته وجود دارد: ۱. وجود عده‌ای معترض به ولایت امام علی (علیه السلام) در مسجدالنبی (ص) هیچ دلالتی بر نزول آیه ولایت در مدینه ندارد و احتمال دارد چنین اعتراضی پس از رسیدن خبر آیه ولایت و کنگره عظیم غدیر به مدینه، توسط صحابه‌ای صورت پذیرفته باشد که در مراسم حج نبودند؛ ۲. سوره مائده آخرین یا یکی مانده به آخرین سوره نازل است (یعقوبی، بی‌تا، ۲، ص ۳۳-۳۴؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۵۷/۵)، چطور امکان دارد آیه‌ای از سوره نحل که سوره‌ای مکی است و در ترتیب نزول، هفتادمین سوره نازل است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۵/۶) در جواب اعتراض صحابه‌ای در مدینه نازل شده باشد؟

ب. عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)، قَالَ: «بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) جَالِسٌ فِي بَيْتِهِ، وَ عِنْدَهُ نَفَرٌ مِنَ الْيَهُودِ- أَوْ قَالَ: خَمْسَةٌ مِنَ الْيَهُودِ- فِيهِمْ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ، فَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ فَتَرَكَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي مَنْزِلِهِ، وَ خَرَجَ إِلَى الْمَسْجِدِ، فَإِذَا بِسَائِلٍ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَصَدَقَ عَلَيْكَ أَحَدٌ بِشَيْءٍ؟ قَالَ: نَعَمْ، هُوَ ذَاكَ الْمُصَلِّي. فَإِذَا هُوَ عَلِيٌّ (ع)» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۲۸/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۳۲۲/۲).

در این روایت سخن از حضور جمعی یهودی در خانه پیامبر (ص) است که در این زمان آیه ولایت نازل شد. وجه مشعريت ظاهر این روایت برای چنین اتفاقی در مدینه و مرادیت از "المسجد" در این روایت به مسجدالنبی (ص)، از سویی وجود کلمه (بیت) و حرکت پیامبر (ص) از خانه به سوی مسجد و از سویی دیگر، حضور گروهی از یهودیان در خانه آن حضرت است، خصوصا با توجه به اینکه یهودیان حجاز در آن زمان در شهر مدینه زندگی می‌کردند.

درباره این روایت نیز نکاتی وجود دارد: ۱. مضمون روایت با واقعیت مکانی حجرات پیامبر (ص) در مدینه ناسازگار است؛ زیرا خانه آن حضرت چند اتاق گلی یا چوبی گل اندود بود که در مرور زمان ساخته شده بود و هر کدام به یکی از همسران ایشان تعلق داشت (ابن سعد، ۱۴۱۴: ۵۰۰/۱) و آن حضرت اتاقی برای حضور مهمان‌ها نداشت؛ بلکه محل ملاقات‌هایش مسجد بود؛ ۲. بر فرض وجود اتاقی جهت ملاقات، در این روایت آمده است که پس از نزول آیه ولایت، آن حضرت مهمان‌های خود را در خانه وا گذاشته و به مسجد رفته است که این نه با عرف و فرهنگ عربی سازگار است و نه با مهمان‌نوازی اسلامی! افزون بر آن، آیا امکان دارد در پاسخ یهود، خدا آیه‌ای نازل کرده باشد و پیامبر (ص) هم به دنبال آن برای دریافت واقعیت ماجرا به مسجد رفته باشد؛ اما خود سائیلین در خانه مانده باشند؟ ۳. در این روایت به احتمال زیاد بیت، کنایه از محل سکونت پیامبر (ص) است و هیچ دلالتی بر مرادیت خانه آن حضرت در مدینه ندارد، در این صورت این روایت هیچ دلالتی بر نزول این آیه در مدینه ندارد؛

۴. در این روایت از عبدالله بن سلام به عنوان یکی از نفرات این گروه یهودی نام برده شده است که این خود دلیل بر آن است که مراد از یهودیان، به معنای یهودی بودن این گروه پیش از اسلام است نه آنکه در آن زمان بر دین یهودیت بوده باشند؛ زیرا آیه ولایت در سال آخر عمر پیامبر ﷺ نازل شد در حالی که عبدالله بن سلام پیش از آن، یعنی پس از ورود پیامبر ﷺ به مدینه (ابن اثیر جزری، ۱۴۰۹: ۱۶۰/۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۳۱۳/۱) و تأسیس مسجد قبا (مقریزی، ۱۴۲۰: ۶۵) یا نهایتاً در سال هشتم (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱۰۳/۴) مسلمان شده بود. چنانکه در روایتی آمده است که عبدالله بن سلام و عده‌ای از یهودیان تازه مسلمان شده جهت شکایت از اذیت و آزار همکیشان پیشین خود محضر آن حضرت رسیده بودند (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۸۰/۴). بنابراین، این روایت هیچ اشعاری بر نزول آیه ولایت در مدینه ندارد و با اینکه گروهی که پیشینه یهودیت داشتند در مکه خدمت پیامبر ﷺ رسیده باشند، ناسازگاری ندارد.

۵-۱. جمع روایات شیعه

روایات موجود در منابع شیعه، نمایانگر آن است که هیچ روایتی دال بر نزول آیه ولایت در مدینه و مسجدالنبی وجود ندارد و بر عکس روایاتی هستند که دلالت دارند که واقعه خاتم‌بخشی و پس از آن نزول آیه ولایت در مکه و در محدوده زمانی عشیة عرفه تا عید غدیر بوده است. البته روایاتی دیگر نیز هستند که در عین بیان واقعه خاتم‌بخشی و نزول آیه ولایت یا درباره زمان و مکان آن ساکت هستند یا اینکه تنافی میان آنها و نزول این آیه در مکه وجود ندارد.

ب. روایات اهل سنت

روایات اهل سنت نیز درباره مکان خاتم‌بخشی و نزول آیه ولایت، در چند گروه قابل دسته‌بندی است:

۱. بیان فضیلت خاتم‌بخشی امام علی (علیه السلام) بدون ذکر مکان و زمان نزول این واقعه

این دسته از روایات به صورت گسترده فضیلت خاتم‌بخشی امام علی (علیه السلام) را نقل کرده‌اند؛ اما به زمان و مکان آن نپرداخته‌اند و تنها از این حیث آورده‌اند که فضیلتی برای امام علی (علیه السلام) است. این دسته از روایات در منابع اهل سنت فراوانی بسیاری دارند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۵۰/۲؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۱۱۶۲/۴؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ۲۱۸/۶؛ ۹۴؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۸۱/۴؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۰۹/۱-۲۴۶؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۶۴/۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۴۹/۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۸۳/۱۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۲۶/۳؛ ۱۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۴/۲-۲۹۳).



عماربن یاسر نقل می‌کند: «وقف بعلی سائل و هو راکع فی صلاة تطوع فنزع خاتمه فأعطاه السائل فاتی رسول الله ﷺ فاعلمه ذلك فنزلت علی النبی ﷺ هذه الآية ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ فقرأها رسول الله ﷺ علی أصحابه ثم قال من كنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» (طبرانی، ۱۴۱۵: ۲۱۸/۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۳/۲).

۲. بیان فضیلت خاتم‌بخشی امام علی (علیه السلام) با ذکر المسجد

این دسته از روایات؛ مثل روایت عبدالله بن سلام (که پیش از این گذشت) در ضمن بیان فضیلت خاتم‌بخشی به مکان آن که در مسجدی بوده نیز اشاره کرده‌اند؛ اما آن مسجد را تعیین نکرده‌اند که مسجد الحرام است یا مسجد النبی ﷺ (طبری، ۱۴۱۲: ۱۸۶/۶؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۰: ۱۰۲؛ واحدی، ۱۳۸۳: ۲۰۲؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۰۹/۱-۲۴۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۸۳/۱۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۲۱/۶؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۱۲۶/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۳/۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۳۴/۳).

برای نمونه، ثعلبی در الکشف و البیان نقل می‌کند: قال ابن عباس، و قال السدی، و عتبة بن حکیم، و ثابت بن عبد الله: «إنما یعنی بقوله ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾ الآية. علی بن أبی طالب (رضی الله عنه) مَرَّبَه سائل و هو راکع فی المسجد و أعطاه خاتمه» (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۸۰/۴).

۳. بیان فضیلت خاتم‌بخشی امام علی (علیه السلام) با اشعار به نزول آیه ولایت در مسجد النبی ﷺ

این‌گونه از روایت، به ظاهر اشعار دارد که خاتم‌بخشی امام علی (علیه السلام) در مسجد پیامبر ﷺ بوده است. این نوع روایت تنها یک حدیث از قول ابوذر غفاری است که در کتب فریقین آمده است که منبع آن، روایتی است که ثعلبی از ابن عباس روایت کرده (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۸۰/۴) و دیگران همه از ثعلبی نقل می‌کنند. (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۳۰/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۲۴/۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۸۳/۱۲)

فارغ از تحلیل سندی و محتوایی این روایت و اینکه چگونه ممکن است ابن عباس، ابوذر را نشناخته باشد، دقت در این روایت زایل‌کننده ظهور آن درباره نزول آیه ولایت در مدینه است. در قسمت نخست این روایت آمده است که در زمان تقاضای سائل، پیامبر ﷺ در مسجد حضور داشته است: «إنی صلیت مع رسول الله یوما من الأيام صلاة الظهر فدخل سائل فی المسجد فلم یعطه أحد»؛ اولاً؛ این با همه روایاتی که بیان می‌دارد در هنگام نزول آیه ولایت، پیامبر ﷺ در خانه خود بودند یا اینکه پس از نزول آیه به مسجد آمده بودند، تعارض دارد. ثانیاً؛ بر فرض پذیرش حضور پیامبر ﷺ در مسجد در زمان انگشتربخشی، قسمت دوم روایت، بیان کلام و سخن سائل است: «اللهم اشهد إنی سألت فی مسجد

رسول الله فلم يعطني أحد شيئاً» که ممکن است مراد سائل از مسجد رسول الله ﷺ، مسجدی باشد که آن حضرت در آن حضور دارد و با حضور ایشان کسی به او صدقه نداده است؛ نه آنکه مرادش مسجد النبی بوده باشد. بنابراین، - بنا بر قاعده «اذا ورد الاحتمال بطل الاستدلال»- این روایت قابل جمع با دیگر احادیث است و میانشان ناسازگاری نیست و واژه المسجد در اینجا هیچ دلالتی بر مسجد مدینه ندارد.

۴. درباره عباد بن صامت

در این دسته مکتوبات، هیچ تصریحی در روایات بر نزول آیه ۵۵ سوره مائده درباره عباد بن صامت نیست و تنها ادعای برخی مفسران مانند ابن کثیر و برخی دیگر بر آن است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۲۷/۳-۱۲۶) که پس از پیمان شکنی بنی قینقاع و اعلام جنگ با آنها، عباد بن صامت از ولایت و هم قسمی با یهود خود را مبرا دانست. (ابن هشام، بی تا، ۲، ص ۴۹؛ ابن ابی شیبہ کوفی، ۱۴۰۹: ۵۳۱/۷؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۸۶/۶؛ ابن لیبی حاتم، ۱۴۱۹: ۱۱۶۲/۴؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۸۰/۴؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۶۳/۲؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۱۴۸/۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۳/۲) از این رو آیات ۵۲ تا ۵۶ سوره مائده نازل شد. روایت این گونه است که: «أسلم عبد الله بن أبي بن سلول، ثم قال: بيني وبين قريظة والنضير حلف وأنا أخاف المدوائر، فارتد كافرًا. وقال عباد بن الصامت: أبرأ إلى الله عز وجل من حلف قريظة والنضير، وأتولى الله والرسول والذين آمنوا فأنزل الله تعالى» (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۸۰/۴-۷۹). ابن کثیر و برخی دیگر، با بیان احتمالات مختلف درباره شأن نزول و مصادیق این آیه، از جمله روایات بسیاری درباره امام علی (علیه السلام)، با استناد به این روایت بر این استدلال می کنند که مجموع آیات ۵۱ تا ۵۶ در شأن عباد بن صامت باشد (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۲۷/۳-۱۲۶). در تحلیل این روایت باید گفت:

اولاً؛ این حدیث درباره عباد بن صامت، با تاریخ نزول آیه ولایت که در سال دهم و در حجة الوداع نازل شده سازگاری ندارد؛ زیرا متن این نقل، تصریح دارد که برائت جستن عباد بن صامت از قبیله یهودی بنی قینقاع در اثنای این غزوه در شوال سال دوم هجری صورت پذیرفت (ابن هشام، بی تا، ۴۷/۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۳۰۸/۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۸۰/۲)؛ در حالی که سوره مائده در سال دهم و در حجة الوداع نازل شده است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۰/۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۵۲/۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۵۷/۵)، پس این روایات در خوش بینانه ترین حالت، در حد تطبیق تفسیری است که از سوی مفسران اهل سنت صورت پذیرفت.



ثانیا؛ بر فرض پذیرش چنین شأن نزولی و نادیده گرفتن تفاوت زمان وقوع حادثه و نزول آیه، این روایت می‌تواند شأن نزول آیه ۵۲ باشد که در چنین صورتی هیچ منافاتی با شأن نزول آیه ۵۵ درباره انگشتربخشی امام علی (علیه السلام) ندارد.

ثالثا؛ اگر افرادی مانند ابن کثیر بر بیان چنین شأن نزولی درباره آیه ۵۱ تا ۵۶ اصرار داشته باشند باید گفت: ا. هیچ یک از نگارندگان کتب شأن نزول، آیات ولایت (آیات ۵۵ و ۵۶) را درباره «عبادة بن صامت» نقل نکرده‌اند؛ بلکه تنها آیات ۵۱ و ۵۲ را بر او تطبیق کرده‌اند (واحدی، ۱۳۸۳: ۲۰۰ و ۲۰۱).
ب. وجود آیه‌ای پیرامون ارتداد از دین: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ...﴾ (مانده: ۵۴) در بین آیات ۵۲ - ۵۳ و آیات ولایت (آیات ۵۵ - ۵۶) نیز گواه آن بر آن است که آیات پسین و پیشین این آیات، از هم جدا هستند؛ چون داستان عبادة بن صامت با مسأله ارتداد ارتباطی ندارد.

ج. ابن کثیر برای مدعای خود که تمام آیات ۵۱ تا ۵۶ سوره مائده درباره عبادة بن صامت است، به دو روایت از طبری استناد کرده (طبری، ۱۴۱۲: ۱۷۸/۶ و ۱۸۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۲۷/۳-۱۲۶) که عین هر دو روایات را طبری از عطیه نقل می‌کند و داستان عبادة بن صامت را شأن نزول آیه ۵۱ و ۵۲ بیان می‌دارد. (طبری، ۱۴۲۴: ۱۷۸/۶)

حاصل آن که روایات درباره شأن نزول آیات ولایت، درباره عبادة بن صامت روایاتی متعارض با نقل از افرادی مانند زهري، سدی، عبادة بن ولید است. آنان از تابعین هستند و خود شاهد ماجرا نبوده‌اند و شاهی هم از قرآن برای آن برای کلام خود ندارند. بنابراین، تمسک ابن کثیر به این دو روایت متعارض و جهی ندارد و نمی‌توان از آن همه روایت متواتر که در شأن نزول آیات ۵۵ و ۵۶ درباره امام علی (علیه السلام) است و از جمعی از صحابه‌ای نقل شده که خود شاهد ماجرا بوده‌اند و نیز احادیثی متعدد از تابعین در این باره چشم پوشید (رضوانی، ۱۳۸۵: ۲۳۹/۱).

۵. جمع روایات اهل سنت

جمع بندی روایات موجود در منابع اهل سنت نمایانگر آن است که هیچ روایتی صریح دال بر نزول آیه ولایت در مدینه و مسجد النبی (ص) وجود ندارد و روایاتی که شأن نزولها و مصادیق مختلف را برای آیه ولایت بیان می‌دارند، بیشتر برای پوشاندن و مخفی کردن فضایل امام علی (علیه السلام) است و به گفته علامه طباطبائی در این نقل قولها و شأن نزولهای متفاوت، جایی برای انگشت بند کردن نیست (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲۵/۶).

و بر عکس روایاتی هست که دلالت دارند که واقعه خاتم‌بخشی و پس از آن نزول آیه ولایت در مکه و در محدوده زمانی عشیة عرفه تا عید غدیر بوده است. البته روایاتی دیگر نیز هستند که در عین بیان واقعه خاتم‌بخشی و نزول آیه ولایت؛ اما درباره زمان و مکان آن ساکت هستند یا اینکه تنافی میان آنها و نزول این آیه در مکه نیست.

نتیجه‌گیری

دقت در روایات فریقین این نتیجه را به دست می‌دهد که مکان انگشتربخشی و نزول آیه ولایت همان‌گونه که در روایت ابن طاووس از حدیفة بود، شهر مکه در مسجدالحرام و زمان آن در عشیة عرفه سال پایانی عمر شریف پیامبر ﷺ است. واکاوی روایات زمان و مکان نزول آیه ولایت نتایج زیر را در پی دارد:

۱. بر پایه روایت کلینی آیه ولایت پیش از آیه تبلیغ نازل شد.
۲. بنابر روایت عیاشی؛ پیامبر ﷺ در روز غدیر (که مؤید به روایات بسیاری نیز هست) در عشیة عرفه دستور یافت که ولایت امام علی علیه السلام را اعلام کند که موجب ترس پیامبر ﷺ و سنگینی سینه ایشان شد.
۳. فریقین اتفاق دارند که آیه ولایت پس از خاتم‌بخشی امام علی علیه السلام و در شأن ایشان نازل شده است.
۴. روایت ابن طاووس زمان خاتم‌بخشی و نزول آیه اکمال را پس از بازگشت ایشان از یمن و در مسجدالحرام بیان می‌کند که قاعدتا حوالی ایام موسم حج است.
۵. کنار هم قراردادن این روایات این نتیجه را می‌دهد که خاتم‌بخشی امام علی علیه السلام و نزول آیه ولایت در محدوده زمانی بازگشت ایشان از یمن و عشیة عرفه بوده است.
۶. بررسی روایات می‌نمایاند که مکان نزول می‌بایست مسجدالحرام باشد تا با روایات دیگر و تاریخ سازگاری داشته باشد.
۷. درباره روایاتی که با این نتیجه به ظاهر ناسازگارند باید گفت، بیشتر روایات فریقین نسبت به زمان و مکان خاتم‌بخشی و نزول ساکت هستند. روایاتی هم که تنها لفظ مسجد در آنها آمده، با اینکه مراد از مسجد در این روایات، مسجدالحرام باشد سازگار است.
۸. بر پایه یافته‌های این تحقیق در نزول آیه ۵۵ سوره مائده در اعلام ولایت امام علی علیه السلام، مراد از ﴿مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ در آیه ۶۷ سوره مائده، مشخصاً ابلاغ عمومی ولایت و امامت امام علی علیه السلام است.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ش.
۲. ابن ابی شیبہ کوفی، عبدالله بن محمد (م ۲۳۵ق)، المصنف فی الاحادیث و الآثار، تحقیق: سعید لحام، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (م ۳۲۷ق)، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن ابی حاتم)، تحقیق: اسعد محمد الطیب، الرياض: مكتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ق.
۴. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م ۶۳۰ق)، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۵. ابن تیمیة حرانی، احمد بن عبدالحلیم (م ۷۲۸ق)، منهاج السنة النبویه، تحقیق: محمدرشاد سالم، بی جا: مؤسسة قرطبة، ۱۴۰۶ق.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲ق)، الاصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق: عادل احمد، علی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۵ق.
۷. ابن سعد، محمد بن سعد (م ۲۳۰ق)، الطبقات الكبرى، تحقیق: محمد بن صامل السلمی، طائف: مكتبة الصديق، ۱۴۱۴ق.
۸. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م ۵۸۸ق)، متشابه القرآن و مختلفه، قم: دار بیدار للنشر، ۱۳۶۹ق.
۹. ابن شهر آشوب، ابو جعفر محمد بن علی مازندرانی (م ۵۸۸ق)، مناقب آل ابی طالب (علیه السلام)، تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی - محمد حسین دانش آشتیانی، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.
۱۰. ابن طاووس، علی بن موسی (م ۶۶۴ق)، اقبال الاعمال فیما يعمل مرة فی السنة، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.
۱۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (م ۷۷۴ق)، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)، تحقیق: محمد حسین شمس الدینی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۱۲. ابن هشام حمیری، عبدالملک (م ۲۱۳ق)، السیرة النبویه، تحقیق: مصطفى السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبي، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۱۳. امینی، عبدالحسین (م ۱۳۹۲ق)، الغدير فی الكتاب و السنة و الادب، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۳۹۷ق.

١٤. ایجی، عبدالرحمن احمد (م ٧٥٦ق) المواقف فی علم الکلام، تحقیق: عبد الرحمن عمیره، بیروت: دارالجيل، ١٤١٧ق - ١٩٩٧م.
١٥. آلوسی، سید محمود (م ١٢٧٠ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤١٥ق.
١٦. آمدی، سیف الدین، غایة المرام فی علم الکلام، القاہرہ، المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیہ، ١٣٩١ق.
١٧. بحرانی، سیدہاشم حسینی (م ١١٠٧ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تہران: بنیاد بعثت، ١٤١٦ق.
١٨. بخاری، محمد بن اسماعیل (م ٢٥٦ق)، صحیح البخاری، بی جا: دارالفکر، ١٤٠١ق.
١٩. بغوی، حسین بن مسعود (م ٥١٠ق)، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن (تفسیر بغوی)، تحقیق: عبدالرزاق مہدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٢٠ق.
٢٠. بلاذری، احمد بن یحیی (م ٢٧٩ق)، جمل من انساب الاشراف، تحقیق سہیل زکار، ریاض زکرلی، بیروت: دارالفکر، ١٤١٧ق.
٢١. تفتازانی، سعدالدین (م ٧٩٣ق)، شرح المقاصد فی علم الکلام، پاکستان: دارالمعارف النعمانیة، ١٤٠١ق.
٢٢. تفسیر منسوب بہ امام عسکری، التفسیر المنسوب إلى الامام العسکری، قم: مدرسة الامام المہدی، ١٤٠٩ق.
٢٣. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراہیم (م ٤٢٧ق)، الكشف و البیان (تفسیر ثعلبی)، تحقیق: محمد بن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٢٢ق.
٢٤. جرجانی، علی بن محمد (م ٨١٦ق)، شرح المواقف، مصر: مطبعة السعادة، ١٣٢٥ق.
٢٥. جصاص، احمد بن علی (م ٣٧٠ق)، احکام القرآن، تحقیق: محمدصادق قمحاوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٥ق.
٢٦. جوادی آملی، عبداللہ، تسنیم تفسیر قرآن کریم، قم: نشر اسراء، ١٣٧٨ش.
٢٧. حاکم نیشابوری، محمد بن عبداللہ (م ٤٠٥ق)، معرفة علوم الحدیث، تحقیق: لجنة إحياء التراث العربی فی دار الآفاق الجلیدة، چهارم، بیروت: منشورات دار الآفاق الحدیث، ١٤٠٠ق - ١٩٨٠م.
٢٨. حاکم حسکانی، عبیداللہ بن عبداللہ (م ٥٠٦ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق: محمد باقر محمودی، تہران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ١٤١١ق.



۲۹. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر (م ۳۰۰ق)، قرب الاسناد، تهران: انتشارات کتابخانه نینوی، بی‌تا.
۳۰. ذهبی، محمد بن احمد (م ۷۴۸ق)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق: عمر عبد السلام تدمری، دوم، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ق.
۳۱. رشیدرضا، محمد (م ۱۳۵۴ق)، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۰م.
۳۲. رضوانی، علی اصغر، امام شناسی در قرآن و پاسخ به شبهات، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵ ش.
۳۳. زمخشری، محمود بن عمر (م ۵۳۸ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، سوم، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۳۴. سیدمرتضی، علی بن حسین (م ۴۳۶ق)، الشافی فی الامامة، تحقیق: سید عبد الزهرا حسینی، دوم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
۳۵. سیوطی، جلال الدین (م ۹۱۱ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۳۶. شرف الدین موسوی، سیدعبدالحسین (م ۱۳۷۷ق)، المراجعات، حسین الراضی، دوم، بیروت: بی‌نا، ۱۴۰۲ - ۱۹۸۲م.
۳۷. شیرازی، سلطان الواعظین، شهای پیشاور، بیست و یکم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲ق.
۳۸. صدوق، محمد بن علی (م ۳۸۱ق)، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، دوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۳۹. طباطبائی، سیدمحمدحسین (م ۱۴۰۲ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، پنجم، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۴۰. طبرانی، سلیمان بن احمد (م ۳۶۰ق)، المعجم الکبیر، تحقیق: حمدی عبدالمجید سلفی، دوم، بی‌جا: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۴۱. طبرانی، سلیمان بن احمد (م ۳۶۰ق)، المعجم الاوسط، بی‌جا: دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.
۴۲. طبرسی، فضل بن حسن (م ۵۴۸ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد جواد بلاغی، سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۴۳. طبری، محمد بن جریر (م ۳۱۰ق)، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، دوم، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ق.

٤٤. طبری، محمد بن جریر (م ٣١٠ق)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ١٤١٢ق.
٤٥. طوسی، محمد بن حسن (م ٤٦٠ق)، تلخیص الشافی فی الامامه، تصحیح: حسین بحر العلوم، قم: محبین، ١٣٨٢ش.
٤٦. علامه حلی، حسن بن یوسف (م ٧٢٦ق)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تحقیق: آیه الله حسن زاده الآملی، هفتم، قم: مؤسسة نشر الإسلامی، ١٤١٧ق.
٤٧. عیاشی، محمد بن مسعود (م ٣٢٠ق)، تفسیر العیاشی (کتاب التفسیر)، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه، ١٣٨٠ق.
٤٨. فخر رازی، محمد بن عمر (م ٦٠٦ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٢٠ق.
٤٩. قرطبی، محمد بن احمد (م ٦٧١ق)، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ١٣٦٤ش.
٥٠. قمی، علی بن ابراهیم (م ٣٠٧ق)، تفسیر القمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزائری، چهارم، قم: دارالکتاب، ١٣٦٧ش.
٥١. قوشچی، علی بن محمد (م ٨٧٩ق)، شرح التجرید، قم: منشورات الرضی، بی تا.
٥٢. کلینی، محمد بن یعقوب (م ٣٢٩ق)، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ١٣٦٥ش.
٥٣. مجلسی، محمداقرا (م ١١١١ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیه السلام)، چهارم، بیروت: مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ق.
٥٤. مفید، محمد بن محمد (م ٤١٣ق)، الافصاح فی الإمامة، تحقیق: مؤسسہ البعثة، دوم، بیروت: دارالمفید للطباعة و النشر و التوزیع، ١٤١٤ق.
٥٥. مفید، محمد بن محمد (م ٤١٣ق)، الفصول المختارة، قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید، ١٤١٣ق.
٥٦. مفید، محمد بن محمد (م ٤١٣ق)، مسار الشیعة فی مختصر تواریخ الشریعة (المجموعه)، تحقیق: سید محمود مرعشی، قم: مکتب آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ١٤٠٦ق.
٥٧. مقریزی، احمد بن علی (م ٨٤٥ق)، إمتاع الإسماع، تحقیق: محمد نمیسی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤٢٠ق.



۵۸. واحدی، علی بن احمد (م ۶۸۴ق)، اسباب النزول، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳ش.
۵۹. همدانی، عبدالجبار، المغنی فی أبواب التوحید والعدل، تحقیق: الدكتور محمود محمد قاسم، بیروت: دارالکتب، ۱۳۸۲ق.
۶۰. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (م ۲۹۲ق)، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Bibliography

1. *The Holy Quran*.
2. Aiji, Abdul Rahman Ahmad (d. 756 AH), *Al-Mawaqif fi Ilm al-Kalam (Positions in the Science of Theology)*, Edited by Abdul Rahman Umaira, Beirut: Dar al-Jail, 1417 AH-1997 CE.
3. Allama Hilli, Hassan bin Yusuf (d. 726 AH), *Kashf al-Murad fi Sharh Tajrid al-I'tiqad (Unveiling the Intended Meaning in the Explanation of the Abstract Written Doctrine)*, Edited by Ayatollah Hassan Zadeh Amoli, 7th Edition, Qom: Mo'assasah Nashr al-Islami, 1417 AH.
4. Alusi, Seyyed Mahmoud (d. 1270 AH), *Rooh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim (The Essence of Meanings in the Exegesis of the Noble Quran)*, Edited by Ali Abdul Bari Atiyyah, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1415 AH.
5. Amadi, Sayf al-Din, *Ghayat al-Maram fi Ilm al-Kalam (The Ultimate Objective in the Science of Theology)*, Cairo: Al-Majlis al-A'la li al-Shu'un al-Islamiyyah, 1391 AH.
6. Amini, Abdul Hossein (d. 1392 AH), *Al-Ghadir fi al-Kitab wa al-Sunnah wa al-Adab (Al-Ghadir in the Book, Sunnah, and Literature)*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 1397 AH.
7. 'Ayyashi, Mohammad bin Mas'ud (d. 320 AH), *Tafsir al-'Ayyashi (Kitab al-Tafsir) (The Exegesis of 'Ayyashi)*, Edited by Seyyed Hashim Rasuli Mahallati, Tehran: Chapkhaneh -e- Ilmiyyah, 1380 AH.
8. Bahrani, Seyyed Hashim Hosseini (d. 1107 AH), *Al-Burhan fi Tafsir al-Quran (The Proof in the Interpretation of the Quran)*, Tehran: Bonyad -e- Bi'that, 1416 AH.
9. Baladhuri, Ahmad bin Yahya (d. 279 AH), *Jumal min Ansab al-Ashraf (A Compilation of Lineages of the Nobles)*, Edited by Suheil Zakar, Riyadh Zarkali, Beirut: Dar al-Fikr, 1417 AH.
10. Bughawi, Hossein bin Mas'ud (d. 510 AH), *Ma'alim al-Tanzil fi Tafsir al-Quran (The Signs of Revelation in the Exegesis of the Quran, Bughawi's Commentary)*, Edited by Abdul Razzaq Mahdi, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1420 AH.
11. Bukhari, Mohammad bin Ismail (d. 256 AH), *Sahih al-Bukhari*, N.p.: Dar al-Fikr, 1401 AH.
12. Dhahabi, Mohammad bin Ahmad (d. 748 AH), *Tarikh al-Islam wa Wafayyat al-Mashahir wa al-A'lam (History of Islam and the Deaths of Notable Personalities and Scholars)*, Edited by Umar Abdul Salam Tadmori, 2nd Edition, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 1413 AH.
13. Fakhr al-Razi, Mohammad bin 'Umar (d. 606 AH), *Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb) (The Great Commentary, Keys to the Unseen)*, 3rd Edition, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1420 AH.



14. Hakim Haskani, Abdullah bin Abdullah (d. 506 AH), *Shawahid al-Tanzil li Qawa'id al-Tafdil (Evidence of Revelation for the Principles of Preferential Treatment)*, Edited by Mohammad Baqir Mahmoodi, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, 1411 AH.
15. Hakim Nishapuri, Mohammad bin Abdullah (d. 405 AH), *Ma'rifat 'Ulum al-Hadith (Knowledge of the Sciences of Hadith)*, Edited by the Committee for the Revival of Arab Heritage at Dar al-Afaq al-Jadidah, 4th Edition, Beirut: Manahil Dar al-Afaq al-Hadith, 1400 AH-1980 CE.
16. Hamedani, Abdul Jabbar, *Al-Mughni fi Abwab al-Tawhid wa al-Adl (The Comprehensive Book on the Chapters of Monotheism and Justice)*, Edited by Dr. Mahmud Mohammad Qasim, Beirut: Dar al-Kutub, 1382 AH.
17. Himyari Qomi, Abdullah bin Ja'far (d. 300 AH), *Qurb al-Asnad (Proximity of Chains)*, Tehran: Ketabkhaneh -e- Naynawi Publications, n.d.
18. Ibn Abi Hatim, Abdul Rahman bin Mohammad (d. 327 AH), *Tafsir al-Quran al-Azim (The Exegesis of the Noble Quran, Ibn Abi Hatim's Commentary)*, Edited by Asa'd Mohammad al-Tayyib, Riyadh: Maktabah Nazar Mustafa al-Baz, 1419 AH.
19. Ibn Abi Shaybah al-Kufi, Abdullah bin Mohammad (d. 235 AH), *Al-Musannaf fi Al-Ahadith wa Al-Athar (Compilation of Narrations and Traditions)*, Edited by Saeed Lahham, Beirut: Dar al-Fikr, 1409 AH.
20. Ibn Athir al-Jazari, Ali bin Mohammad (d. 630 AH), *Usd al-Ghabah fi Ma'rifat al-Sahabah (The Lions of the Forest in Knowing the Companions)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1409 AH.
21. Ibn Hajar al-Asqalani, Ahmad bin Ali (d. 852 AH), *Al-Isabah fi Tamyiz al-Sahabah (The Correct Scale in Distinguishing the Companions)*, Edited by Adel Ahmad, Ali Mohammad, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1st Edition, 1415 AH.
22. Ibn Hisham Himyari, Abdul-Malik (d. 213 AH), *Al-Sirah al-Nabawiyyah (The Prophetic Biography)*, Edited by Mustafa al-Saqqa and Ibrahim al-Abyari and Abd al-Hafiz Shalabi, Beirut: Dar al-Qalam, 1414 AH.
23. Ibn Kathir, Ismail bin Amr (d. 774 AH), *Tafsir al-Quran al-Azim (The Exegesis of the Noble Quran, Ibn Kathir's Commentary)*, Edited by Mohammad Hossein Shams al-Din, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1419 AH.
24. Ibn Saad, Mohammad bin Saad (d. 230 AH), *Al-Tabaqat al-Kubra (The Major Classes)*, Edited by Mohammad bin Samil al-Salmi, Ta'if: Maktabah al-Sadiq, 1414 AH.
25. Ibn Shahr Ashub, Abu Ja'far Mohammad bin Ali Mazandarani (d. 588 AH), *Manaqib Ali bin Abi Talib (Virtues of Ali Bin Abi Talib)*, Edited by Seyyed Hashim Rasouli Mahallati, Mohammad Hossein Danish Ashtiani, Qom: Allamah Publications, 1379 AH.

26. Ibn Shahr Ashub, Mohammad bin Ali (d. 588 AH), *Mutashabih al-Quran wa Mukhtalifuhu (The Ambiguities and Differences in the Quran)*, Qom: Dar Bidar for Publishing, 1369 AH.
27. Ibn Tawus, Ali bin Musa (d. 664 AH), *Iqbal al-A'mal fi ma Ya'malu Marrah fi al-Sanah (The Excellence of Actions That Are Performed Once a Year)*, Edited by Jawad Qayumi Isfahani, Qom: Dafatar Tablighat Islami, 1376 SH / 1997 CE.
28. Ibn Taymiyyah al-Harrani, Ahmad bin Abdul Halim (d. 728 AH), *Minhaj al-Sunnah al-Nabawiyyah (The Path of the Prophetic Tradition)*, Edited by Mohammad Rashad Salim, N.p.: Qurtuba Foundation, 1406 AH.
29. Jassas, Ahmad bin Ali (d. 370 AH), *Ahkam al-Quran (Rulings of the Quran)*, Edited by Mohammad Sadiq Qumhawi, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1405 AH.
30. Javadi Amoli, Abdullah, *Tasneem Tafsir -e- Quran -e- Karim (Tasneem Exegesis of the Noble Quran)*, Qom: Nashr -e- Isra, 1378 SH / 1999 CE.
31. Jurjani, Ali bin Mohammad (d. 816 AH), *Sharh al-Mawaqif (Explanation of Positions)*, Egypt: Matba'at al-Sa'adah, 1325 AH.
32. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub (d. 329 AH), *Al-Kafi (The Sufficient Source)*, Edited by Ali Akbar Ghaffari, 4th Edition, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1365 SH / 1986 CE.
33. Majlisi, Mohammad Baqir (d. 1111 AH), *Bihar al-Anwar al-Jami'a li Durar Akhbar al-A'imma al-Athar (The Seas of Lights: A Comprehensive Collection of Narrations about the Holy Imams)*, 4th Edition, Beirut: Mo'assasah al-Wafa', 1403 AH.
34. Maqrizi, Ahmad bin Ali (d. 845 AH), *Imta' al-Isma' (The Collection of the Pure)*, Edited by Mohammad Nimisi, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1420 AH.
35. Mufid, Mohammad bin Mohammad (d. 413 AH), *Al-Fusul al-Mukhtarah (Selected Chapters)*, Qom: International Congress for the Millinimum of al-Shaykh al-Mufid, 1413 AH.
36. Mufid, Mohammad bin Mohammad (d. 413 AH), *Al-Ikhtisas fi al-Imamah (Specialization in Imamate)*, Edited by Mo'assasah al-Bi'thah, 2nd Edition, Beirut: Dar al-Mufid li al-Tiba'ah wa al-Nashr wa al-Tawzi', 1414 AH.
37. Mufid, Mohammad bin Mohammad (d. 413 AH), *Masar al-Shi'a fi Mukhtasar Tawarikh al-Shari'ah (The Path of the Shi'a in the Summary of the History of the Shari'ah)*, Edited by Seyyed Mahmoud Mar'ashi, Qom: Ayatollah al-Uzma Mar'ashi Najafi Library, 1406 AH.
38. Qomi, Ali bin Ibrahim (d. 307 AH), *Tafsir al-Qomi*, Edited by Seyyed Tayyeb Musavi Jazayeri, 4th Edition, Qom: Dar al-Kutub, 1367 SH / 1988 CE.



39. Qurtubi, Mohammad bin Ahmad (d. 671 AH), *Al-Jami' li Ahkam al-Quran (The Comprehensive Compilation of Quranic Rulings, Tafsir al-Qurtubi)*, Tehran: Naser Khosrow Publications, 1364 SH / 1985 CE.
40. Qushchi, Ali bin Mohammad (d. 879 AH), *Sharh al-Tajreed (Commentary on Tajreed of Khawaja)*, Qom: Nashr -e- Razavi, n.d.
41. Rashid Rida, Mohammad (d. 1354 AH), *Tafsir al-Quran al-Hakim (Interpretation of the Noble Quran, Tafsir al-Manar)*, Cairo: Al-Hay'ah al-Misriyyah al-'Ammah li al-Kitab, 1990 CE.
42. Razvani, Ali Asghar, *Imam Shinasi dar Quran va Pasokh be Shubhat (Studies of Imamate in the Quran and Responding to Doubts)*, Qom: Masjid -e- Moqaddas Jamkaran, 1385 SH / 2006 CE.
43. Saduq, Mohammad bin Ali (d. 381 AH), *Al-Khisal (The Characteristics)*, Edited by Ali Akbar Gaffari, 2nd Edition, Qom: Mo'assasah Nashr -e- Islami, 1403 AH.
44. Seyyed Murtadha, Ali bin Hossein (d. 436 AH), *Al-Shafi fi al-Imamah (The Sufficient Evidence for Imamah)*, Edited by Seyyed Abdul Zahra Hosseini, 2nd Edition, Qom: Ismailian, 1410 AH.
45. Sharaf al-Din Musavi, Seyyed Abdul Hossein (d. 1377 AH), *Al-Muraja'at (The Conversations)*, Hosseinn al-Razi, 2nd Edition, Beirut: n.p., 1402 AH - 1982 CE.
46. Shirazi, Sultan al-Wa'azhin, *Shabhaye Peshawar (Nights of Peshawar)*, 21st Edition, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1352 AH.
47. Suyuti, Jalal al-Din (d. 911 AH), *Al-Durr al-Munthur fi Tafsir bi al-Ma'thur (The Scattered Pearls in the Exegesis by the Prophetic Hadiths)*, Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library, 1404 AH.
48. Tabarani, Sulaiman bin Ahmad (d. 360 AH), *Al-Mu'jam al-Awsat (The Middle Compilation)*, N.p.: Dar al-Haramayn, 1415 AH.
49. Tabarani, Sulaiman bin Ahmad (d. 360 AH), *Al-Mu'jam al-Kabir (The Great Compilation)*, Edited by Hamdi Abdul Majid Salafi, 2nd Edition, N.p.: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.
50. Tabari, Mohammad bin Jarir (d. 310 AH), *Jami' al-Bayan 'an Ta'wil Ay al-Quran (Comprehensive Exposition of the Interpretation of the Verses of the Quran)*, Beirut: Dar al-Ma'rifah, 1412 AH.
51. Tabari, Mohammad bin Jarir (d. 310 AH), *Tarikh al-Umam wa al-Muluk (History of Nations and Kings)*, Edited by Mohammad Abu al-Fadl Ibrahim, 2nd Edition, Beirut: Dar al-Turath, 1387 AH.

52. Tabarsi, Fadl bin Hassan (d. 548 AH), *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Collection of Elucidation in the Interpretation of the Quran)*, Edited by Mohammad Jawad Balaghi, 3rd Edition, Tehran: Naser Khosrow, 1372 SH / 1993 CE.
53. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (d. 1402 AH), *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Scale in the Interpretation of the Quran)*, 5th Edition, Qom: Mo'assasah Nashr -e- Islami, 1417 AH.
54. Tafsir attributed to Imam Askari, *Al-Tafsir al-Mansub ila al-Imam al-Askari (The Exegesis Attributed to Imam Askari)*, Qom: Madrasat al-Imam al-Mahdi, 1409 AH.
55. Taftazani, Saad al-Din (d. 793 AH), *Sharh al-Maqasid fi Ilm al-Kalam (Exposition of the Objectives in the Science of Theology)*, Pakistan: Dar al-Ma'arif al-Nu'maniyyah, 1401 AH.
56. Tha'labi Nishapuri, Ahmad bin Ibrahim (d 427 AH), *Al-Kashf wa al-Bayan (Unveiling and Explanation, Tha'labi's Commentary)*, Edited by Mohammad bin Ashour, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1422 AH.
57. Tusi, Mohammad bin Hassan (d. 460 AH), *Talkhis al-Shafi fi al-Imamah (Summary of the Sufficient Evidence for Imamah)*, Edited by Hossein Bahral Ulum, Qom: Muhibbin, 1382 SH / 2003 CE.
58. Wahidi, Ali bin Ahmad (d. 468 AH), *Asbab al-Nuzul (Causes of Revelation)*, Translated by Ali Reza Zakavati Qaragozlou, Tehran: Nashr -e- Ney, 1383 SH / 2004 CE.
59. Ya'qubi, Ahmad bin Abi Ya'qub (d. 292 AH), *Tarikh al-Ya'qubi (The History of Ya'qubi)*, Beirut: Dar Sadir, n.d. Zamakhshari, Mahmoud bin 'Umar (d. 538 AH), *Al-Kashshaf 'an Haqiq Ghawamid al-Tanzil wa 'Uyun al-Aqawil fi Wujuh al-Ta'wil (Unveiling the Realities of the Secrets of Revelation and the Sources of Interpretation in Different Aspects)*, 3rd Edition, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 1407 AH.